

پوشاک محلی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی

* سیدرسول موسوی حاجی

** سکینه خاتون محمودی

*** مرضیه قاسمی

E-mail: seyeyed_rasool@yahoo.com

E-mail: mahmoodi.s.k@gmail.com

E-mail: m.ghasemi22@uoz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۳

چکیده

پوشاک مردم ایران نوعاً یکی از اسناد هویت ملی آنان به‌شمار می‌رود. بلوچ‌ها به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی، دارای پوشاک مخصوص به خود هستند که نوعاً ملاک تمایز آنها از دیگر گروه‌ها و طوایف ایرانی فراهم است. با توجه به ارتباط تنگاتنگ پوشاک محلی و هویت ملی، و بنا به اهمیت پوشش سنتی در بین بلوچ‌ها، این مسأله در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، سعی نگارندگان بر آن است که به معرفی و مطالعه پوشاک زنان و مردان بلوچ بپردازند. نتیجه مطالعات حکایت از آن دارد که پوشاک محلی بلوچ‌ها با زندگی آنها ارتباط مستقیم دارد به گونه‌ای که ضمن معرفی و شناساندن مردم بلوچ، گواهی آشکار بر هویت آنان به‌عنوان یکی از اقوام اصیل ایرانی است.

کلید واژه‌ها: بلوچ، پوشاک محلی بلوچی، هویت ملی.

* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

** مربی گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه زابل، نویسنده مسئول

*** مربی گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه زابل

۱- مقدمه و طرح مسأله

حضور اقوام در سرزمین ایران، این کشور را به یکی از غنی‌ترین مراکز فرهنگی جهان تبدیل کرده است. هر یک از اقوام ایرانی صرف‌نظر از احساس تعلق ملی به دین، فرهنگ و سرزمین ایران، دارای میراث فرهنگی خاص خود می‌باشند.

پوشاک، بارزترین نمود عینی تشخیص اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر است. پوشاک از راه مجموعه‌ای علائم مادی، یک نظام ارتباط فرهنگی در میان مردم برقرار می‌کند که دریافت معانی و مفاهیم آن در هر گروه و جامعه مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم و باورهایی است که پوشاک ارزش‌های نمادین خود را از آنها اخذ نموده است. ارزش‌هایی که در حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی مردم در طول زمان نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کنند (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۱۷). پوشاک، نشان دهنده وابستگی آنها به یک قشر خاص می‌باشد.

بلوچ‌ها یکی از اقوام ایرانی هستند که با حفظ ارزش‌های سنتی و اسلامی در پوشاک، ضمن حفظ هویت ایرانی و ملی، سنت محلی خود را حفظ نموده‌اند. لذا در این پژوهش موضوع پیوستگی پوشاک بلوچ با فرهنگ و هویت ملی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف این تحقیق نشان دادن ارتباط میان هویت و لباس بلوچی بوده و براساس این فرض تدوین شده که تلاش اقوام بلوچ برای حفظ هویت ایرانی و میراث فرهنگی، سبب ماندگاری این پوشاک تا دوران معاصر گردیده است.

۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- بین پوشاک محلی بلوچ‌ها و هویت ملی آنان چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۲- ساختار نمادین نشانه‌ها در پوشاک بلوچ در ارتباط با هویت آنان مبتنی بر چه اصولی است؟
- ۳- میزان علاقه و پای‌بندی زنان و مردان بلوچ به استفاده از پوشاک بلوچی چقدر است؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- پوشاک محلی بلوچ‌ها با زندگی و هویت جمعی آنها به‌عنوان بخشی از ملیت ایرانی ارتباط مستقیم داشته و در معرفی و شناساندن بلوچ‌ها به‌عنوان یکی از اقوام ایرانی نقش مؤثری را ایفا می‌کند.
- ۲- تأکید بر آراستگی لباس با نقوش سنتی و نحوه طراحی این نقش‌ها ارتباطی مستقیم با شیوه زندگی و فرهنگ مردم بلوچ دارد.

۳- تلاش بلوچ‌ها برای حفظ هویت ایرانی و میراث فرهنگی، سبب ماندگاری این پوشاک تا دوران معاصر گردیده است.

با توجه به این‌که بلوچ‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از ملیت ایرانی بوده و این مردم دلاور در طول سالیان متمادی به پاسداری از میراث فرهنگی و ارزش‌های گروهی و ملی خود به شدت اهتمام ورزیده است، تلاش بلوچ‌ها در جهت حفظ پوشاک محلی را می‌توان از مصادیق توجه به ارزش‌های ایرانی و ملی دانست. مطالعه تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد، علی‌رغم تغییرات پوشاک در صد سال اخیر که عمدتاً متأثر از وقایع اجتماعی متفاوت بود، پوشاک مردم بلوچ تغییرات بسیار کمی پذیرفته که از این طریق در تقویت و تداوم هویت ملی آنها به‌عنوان یکی از اقوام اصیل ایرانی نیز نقش مؤثری ایفا نموده است.

۴- روش تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. برای رسیدن به نتیجه بهتر، پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن انجام تحقیق میدانی و مشاهده نوع پوشاک، به تحلیل ویژگی‌های ظاهری آنها براساس مضامینی که منطبق بر ویژگی‌های فرهنگی بلوچ‌ها است، پرداخته‌ایم.

این پژوهش که در سال ۱۳۹۱ با انگیزه شناخت پوشاک محلی مردم، محصولات سوزن‌دوزی و صنایع دستی بلوچی انجام یافته، حوزه جغرافیایی شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان را دربرمی‌گیرد. با توجه به این‌که شهر سراوان یکی از مراکز اصلی تولید پوشاک بلوچی مخصوصاً محصولات سوزن‌دوزی بوده و تعداد زیادی از زنان بلوچ ساکن در منطقه گشت سراوان، به فعالیت اقتصادی در این زمینه مشغول هستند، منطقه سراوان برای انجام این پژوهش مکان مناسبی به نظر می‌رسید. گردآوری اطلاعات در این بخش با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته است. در بخش پرسش‌نامه‌ها تعداد ۳۰ سؤال مطرح شد که هدف از آنها سنجش میزان پای بندی به استفاده از پوشاک محلی و حفظ آداب و رسوم سنتی بوده است. در طراحی سؤالات شاخص‌هایی مانند میزان تعلق خاطر به آداب و رسوم سنتی مورد توجه قرار گرفت. تحلیل اطلاعات با استفاده از محاسبات آماری انجام یافته و از روش توصیفی و تبیینی نیز استفاده شده است.

۵- پیشینه تحقیق

در بررسی به عمل آمده مشخص گردید که بیش تر تحقیق‌های صورت گرفته در مورد پوشاک محلی بلوچ، اغلب کلی و دارای مضامین مشترک بوده و در آنها به تمایز این قوم ایرانی از سایر اقوام و ویژگی‌های فرهنگی آنها به صورت مجزا پرداخته نشده است (الهی، ۱۳۸۹؛ جهانبانی، ۱۳۸۲؛ متین، ۱۳۸۳؛ هانته، ۱۳۸۲).

توضیح این که، تاکنون در زمینه پیوستگی پوشاک بلوچ با هویت ملی و ایرانی تحقیق مستقلی انجام نگرفته و تلاش حاضر شاید که نخستین گام در انجام این مهم می‌باشد.

۶- جامعه آماری

جامعه آماری مورد نظر برای انجام این تحقیق را جمعیت ساکن در شهرستان سراوان تشکیل می‌دهد. شهرستان سراوان با استناد به گزارش معاونت برنامه‌ریزی استانداری سیستان و بلوچستان حدود ۲۴۶۱۰۰ نفر جمعیت دارد (گزارش معاونت برنامه‌ریزی استانداری، ۱۳۸۸: ۹۵) که از این تعداد، ۳۸۰ نفر به‌عنوان نماینده جامعه آماری مذکور به روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای» برای پاسخ گفتن به پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، انتخاب شده‌اند.

۷- چارچوب نظری

توجه فزاینده به موضوع هویت در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی، مباحث مختلفی را پدید آورده که از جمله مهم‌ترین آنها موضوع پیوستگی هویت و میراث فرهنگی است. با توجه به گستردگی و تنوع تعاریف و رویکردها در مقوله هویت و فرهنگ در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی که پژوهشگران را به طرح بحث‌های گسترده و پیچیده‌ای واداشته، در این قسمت به‌طور اختصار موضوع هویت ملی از نظر مفهومی با توجه به اهداف پژوهش، مورد توجه قرار گرفته و سپس با توجه به ارتباط تنگاتنگ فرهنگ و هویت، به مفهوم فرهنگ پرداخته می‌شود.

- هویت

در زبان فارسی «هویت» به معنی صفت جوهری، ذات و وجوه منسوب به شیء یا شخص و آنچه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌گردد، به کار رفته است. این واژه در هر رشته علمی، به گونه‌ای خاص مورد توجه قرار گرفته. براساس نظریات جامعه‌شناسی، هویت امری است اجتماعی که شخص در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی آن را کسب می‌کند. مفاهیم هویت فردی و هویت جمعی از مهم‌ترین موضوعات

مطرح شده در این زمینه است. هویت فردی به نوعی آگاهی اطلاق می‌گردد که افراد در فرآیند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران کسب می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

- **هویت ملی:** به دلیل تأثیر زیاد هویت ملی در تمامی حوزه‌ها این مفهوم مهم‌ترین نوع از انواع هویت به شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹) و فراگیرترین و مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۴). هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. در این حوزه عناصری چون تاریخ، سرزمین، زبان، دولت، آیین‌ها و مناسک اهمیت قابل ملاحظه‌ای می‌یابند و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت آنها را مشخص می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۷۴).

- فرهنگ

از عوامل مؤثری که در هویت جمعی و در سطحی بالاتر هویت ملی، تأثیر مستقیمی دارد، مسأله فرهنگ است. فرهنگ را می‌توان نظامی متشکل از اجزای مادی و غیرمادی شامل دانش‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنر، قوانین، آداب و رسوم، میراث فرهنگی و دیگر توانایی‌هایی برشمرد که انسان آنها را فرا می‌گیرد. این تعریف که بر دریافتی توصیفی از فرهنگ مبتنی است، مأخوذ از آراء «ادوارد بارنت تایلور» (۱۸۳۲-۱۹۱۷)، مردم‌شناس انگلیسی است. از نظر او «فرهنگ یا تمدن، در معنی وسیع آن، کلیت پیچیده‌ای شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و سایر قابلیت‌ها و عاداتی است که انسان به مثابه عضوی از جامعه کسب می‌کند. وضعیت فرهنگی در این جوامع گوناگون بشری، تا آنجا که بتوان بر مبنای اصولی کلی به تحقیق در آن پرداخت، موضوعی است درخور مطالعه قوانین تفکر و کنش بشری». این اعتقادات و آداب و رسوم مخصوص یک جامعه خاص بوده و آن را از دیگر جوامعی که در زمان‌ها و مکان‌های دیگر وجود دارند، متمایز می‌سازد (تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

یکی از مهم‌ترین مباحث در مقوله فرهنگ، میراث فرهنگی است که به نوبه خود از عوامل مؤثر در هویت ملی به شمار می‌رود. میراث فرهنگی به مجموعه اشیا و عناصری اطلاق می‌شود که بازتاب گذشته تاریخی و فرهنگی اقوام و ملت‌ها است و در این راستا، هریک از اشیا و عناصری که کوچک‌ترین کمکی به این فرآیند هویت‌یابی می‌کنند، ارزش بالایی پیدا می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). در بررسی هویت جمعی، آداب و رسوم، عقاید، مفاخر، میراث فرهنگی و صنایع دستی مورد توجه قرار گرفته و در این میان پوشاک از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (متین، ۱۳۸۳: ۳۸).

با توجه به مطالب ذکر شده منظور از فرهنگ در این پژوهش، مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب و رسوم، اندیشه‌ها، نمادها، ارزش‌ها و نیز دست ساخته‌های مادی و اشیایی است که افراد در مقام اعضای یک گروه و جامعه آنها را کسب کرده‌اند. اهمیت پوشاک در جوامع گوناگون سبب گردیده تا برخی از پژوهشگران با مطالعه تاریخی پوشاک از بعد اجتماعی، چند رویکرد اساسی را در بررسی پوشاک مورد توجه قرار دهند. این رویکردها عبارتند از: ۱- نظریه اشاعه‌گرایی: این نظریه تن‌پوش‌های فعلی را بازمانده برخی از انواع تن‌پوش‌های اولیه می‌داند. ۲- نظریه تاریخ توسعه: که تکامل لباس‌ها در طول تاریخ و تأثیرات فرهنگی بیرونی در همانند سازی تن‌پوش‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. ۳- نظریه‌های کارکرد اجتماعی یا نظریه‌های غیرتاریخی: این نظریه نسبت به لباس رویکردی نمادین داشته و آن را به‌عنوان زبانی از علائم معرفی می‌کند که قابل رمز گشایی است (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۲۸).

علاوه بر این، پوشاک را می‌توان برحسب موضوع‌های گوناگون اجتماعی، دینی، اقتصادی، هنری و نظایر آن بررسی کرد. تقسیم‌بندی پوشاک از لحاظ ایللی، روستایی، شهری، و حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی در دوره‌های گذشته و کنونی از تقسیم‌بندی‌های عمومی و رایج میان پژوهشگران است (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۲۸). نوعی تقسیم‌بندی، بر مبنای استفاده از پوشاک برای قسمت‌های مختلف بدن انسان نیز متداول است مثل سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها، پاپوش‌ها و سایر موارد مشابه (الهی، ۱۳۸۹: ۹). لذا در این بررسی، با توجه به اهداف و فرضیه‌ها، به مقوله پوشاک بلوچ از دیدگاه نشانه‌های فرهنگی، به مفهوم عام آن، چنان‌که قبلاً ذکر شد، پرداخته و در عین حال به ارزش‌های نمادین آن نیز توجه می‌شود.

۸- فرهنگ و شیوه زندگی طوایف بلوچ

۸-۱- معرفی طوایف بلوچ

بلوچ‌ها از اقوام ایرانی هستند که در منطقه بلوچستان، واقع در جنوب شرقی ایران سکنا دارند. مطالعه منابع تاریخی و جغرافیایی نشان می‌دهد که نام بلوچ اولین بار در سده چهارم هجری قمری در منابع فارسی و عربی درج گردیده و محدوده سکونت آنها نیز در دشت‌های جنوبی کرمان و در دامان کوهستان بشگرد (بشاگرد) ذکر شده است. در تمام این منابع، اقوام بلوچ بسیار چالاک، قوی، رشید و جنگجو معرفی شده‌اند. آنها بلوچ‌ها را مردمی صاحب نعمت و حشمت دانسته‌اند که از راه دامپروری امرار معاش

نموده و در خیمه‌هایی موبین زندگی می‌کنند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۵؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۴۱؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۲۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۶۹۵). در دوران سلجوقیان، بلوچ‌ها از نواحی کرمان به سوی شرق و به داخل مکران و بلوچستان کنونی مهاجرت کردند (بویل، ۱۳۷۹: ۶۴).

بررسی‌های انجام شده در قرن اخیر در مورد فرهنگ و شیوه زندگی مردم بلوچ حاکی از آن است که تا چند دهه قبل، آنها به صورت قبیله‌ای زندگی کرده و از طریق دامپروری و کشاورزی امرار معاش می‌نمودند. زندگی اجتماعی بلوچ‌ها در گذشته به صورت مخلوطی از زندگی عشایری و روستایی بود اما با گسترش شهرنشینی از ابتدای سده ۱۴ هجری، شرایط زندگی اجتماعی تغییر کرده و انواع مشاغل در میان بلوچ‌ها گسترش یافت. این موضوع باعث تغییر بعضی ملاک‌ها و ارزش‌های اجتماعی نیز شد به طوری که تا پیش از این دوران، داشتن اصل و نسب، املاک فراوان و رمه‌های بزرگ ملاک تشخیص و نفوذ اجتماعی بود ولی پس از گسترش شهرنشینی، مشاغل دولتی و اداری ارزش زیادی پیدا کردند (شه‌بخش، ۱۳۷۳: ۱۰). با این همه، «ذات» از تعیین کننده‌ترین عوامل در شکل‌دهی پایگاه اجتماعی است. «ذات» در واقع همان اصل و نسب است و نشان دهنده مرتبه افراد در اجتماع می‌باشد. اساس ذات، خون مشترکی است که در رگ‌های افراد وابسته به آن جریان دارد و بلوچ‌ها همواره در حفظ اعتبار و آبروی ذاتی که به آن تعلق دارند اهتمام قابل ملاحظه‌ای از خود نشان می‌دهند.

- **نژاد:** در زمینه ریشه بلوچ‌ها دو نظریه عمده مطرح شده است. نظریه ریشه عربی و نظریه ریشه ایرانی (آریایی). عقیده برخی از بلوچ‌ها بر این است که از نژاد اعراب هستند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۳۷). در گذشته این انتساب، مورد قبول برخی از گروه‌های بلوچ بود اما نخبگان معاصر بلوچ این نظر را معتبر ندانسته و معتقدند که فاقد مستندات تاریخی است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). مطالعات صورت گرفته توسط برخی از پژوهشگران نشان می‌دهد که بلوچ‌ها شاخه‌ای از نژاد آریایی هستند و رابطه‌ها و پیوندهای بسیار نیرومند نژادی با سایر ایرانیان جنوب شرقی و مرکزی ایران دارند (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۵۵). در نتیجه می‌توان گفت اقوام بلوچ، ایرانی نژاد و همانند سایر اقوام ایرانی از قبیل گُرد، تاجیک و سیستانی شعبه‌ای از نژاد آریایی هستند (افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۱۸۷).

- **گوش:** گویش مردم این منطقه بلوچی است. زبان بلوچی از شاخه زبان‌های

غربی ایران است که ریشه هند و اروپایی دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۲۸۴) و با زبان و تلفظ پهلوی اشکانی و پهلوی اوایل ساسانی نزدیک است.

- **مذهب:** پیش از گسترش اسلام، بلوچ‌ها پیرو دین زرتشت بودند اما در حال حاضر اکثریت آنها مسلمان و پیرو مذهب تسنن هستند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

۸-۲- ویژگی‌های فرهنگی طوایف بلوچ

۸-۲-۱- ویژگی‌های غیرمادی

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی بلوچ‌ها را حماسه‌ها، اشعار، موسیقی و باورهای عامیانه تشکیل می‌دهد.

- **حماسه‌ها:** فرهنگ بلوچی حاوی داستان‌های حماسی ارزشمندی است و بیش‌تر اشعار و داستان‌های بلوچی شکل رزمی و حماسی دارد. داستان میر قنبر و میران از مشهورترین این حماسه‌ها هستند (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۲۷۳).

- **موسیقی:** بلوچ‌ها علاقه خاصی به موسیقی دارند. مشهورترین انواع موسیقی بلوچستان عبارتند از: نعت و غزل که نوعی موسیقی عرفانی است. صوت و نازنیک موسیقی دیگری است که بسیار شاد و نشاط انگیز بوده و با ترانه و آواز همراه می‌باشد. سومین نوع، موسیقی حماسی بوده و بیان داستان‌های حماسی طوایف بلوچ است. موسیقی گواتی نیز برای درمان بیماری‌های روحی نواخته می‌شود.

- **شعر:** آهنگ‌ها و ترانه‌های عامیانه مردم بلوچ بیانی ساده دارد و برای بیان احساسات و عواطف بسیار مناسب هستند به طوری که از لابلای الفاظ و مفاهیم آنها سیمای مردی رشید و دلاور در سایه‌ای از سختی‌ها و مشکلات طبیعت به وضوح قابل ترسیم است (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۹).

- **باورها:** اعتقادات عامیانه بخش‌هایی از فرهنگ عمومی مردم بلوچستان را تشکیل می‌دهد. مردم بلوچ به جن اعتقاد زیادی دارند و برای در امان ماندن از آسیب آنها به تعویذ توسل می‌جویند. استفاده از انواع تعویذها برای دفع چشم زخم نیز عمومیت دارد (ناصری، ۱۳۵۸: ۲۳۱).

۸-۲-۲- ویژگی‌های مادی

صنایع دستی از ارزشمندترین سرمایه‌های مادی بلوچ‌ها است که از انواع آن می‌توان به هنرهای سفالگری، حصیربافی، سکه‌دوزی، سوزن‌دوزی و زرگری اشاره کرد. همه این‌گنجینه‌های ارزشمند به نوعی در بر دارنده فرهنگ مردم بلوچ می‌باشند.

سوزن‌دوزی یکی از مهم‌ترین این هنرها است که بنا به اهمیت آن در پژوهش حاضر در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

- **سفالگری:** در منطقه کلپورگان سراوان سفال‌های منحصر به فردی تولید می‌شود که بیش‌تر تولید کنندگان آن زنان هستند. نقش‌های متداول بر روی سفال‌ها معمولاً نقش‌های هندسی است (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۸۷۶).

- **حصیربافی:** بافتن انواع محصولات حصیری مانند سبد، کلاه، خورجین، و سایر محصولات مشابه، در بلوچستان متداول است و علاوه بر آن، تولید نوعی کفش حصیری به نام سواس نیز در منطقه بلوچستان رواج دارد.

- **زرگری:** زرگری و نقره‌سازی از هنرهای رایج در بلوچستان است که زینت‌آلات زنان بلوچ بخش بزرگی از تولیدات آنها را تشکیل می‌دهد.

- **سکه‌دوزی:** سکه‌دوزی وسیله‌ای است تزئینی که برای زینت چادر عشایر یا فضای خانه به کار می‌رود (تصویر ۱). در طراحی سکه‌ها اغلب از شکل‌های هندسی مانند لوزی، مربع و مثلث استفاده می‌شود و روی آنها را با تعداد زیادی دکمه، منجوق، پولک، آینه و صدف به شکل‌های بسیار زیبایی تزئین می‌کنند (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۸۷۶).



تصویر ۲: سوزن‌دوزی با نقش‌های هندسی



تصویر ۱: سکه‌دوزی بلوچی

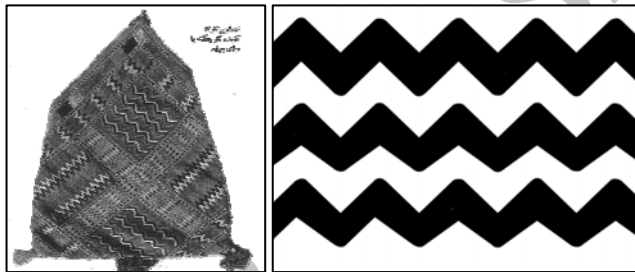
- **سوزن‌دوزی:** سوزن‌دوزی از اصیل‌ترین هنرهای رایج در میان بلوچ‌ها است که به دلیل نبودن منابع کافی بررسی پیشینه و تعیین قدمت تاریخی آن، امکان‌پذیر نیست (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۲۶۹). برخی از پژوهشگران برآنند که این شیوه دواخت از اوایل اسلام در میان مردم بلوچ رایج بوده و در دوره ایلخانی و به خصوص تیموری و صفوی به اوج خود رسیده است (خاموشی، ۱۳۸۷: ۷۳).

نقوش سوزن‌دوزی بلوچی همچون سایر هنرهای رایج در میان آنها، حاوی مجموعه

گسترده‌ای از نقش‌های هندسی و خطوط شکسته است. خطوط منحنی و دایره در سوزن‌دوزی بلوچ به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند (تصویر ۲).
خاستگاه نقش و نگارهای بلوچ را می‌توان در عرصه‌های زیر جستجو نمود:

۱- عناصر طبیعت

الف) عناصر محیطی: زندگی مردم بلوچ پیوستگی عمیقی با طبیعت پیرامون دارد و در نتیجه تجلی شکل‌های ساده و درشت طبیعت پیرامون در آثار آنها انعکاس گسترده‌ای یافته است. طبیعت خشک کویری، کوه‌های بلند و سخت، طوفان‌های شدید شن و سختی معیشت کشاورزی، در طول تاریخ موجب شده است تا خشونت فرم‌ها و زاویه‌های تیز در هنر بلوچ مخصوصاً سوزن‌دوزی تجلی پیدا کند. در این نقوش مثلث و زاویه اساس نقش‌ها را تشکیل داده و با بیانی نمادین بر پیکره لباس بلوچی و سایر دست‌بافته‌ها، نقش شده است (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۳: نقش چپراس (Čaprās) تصویر ۴: کیف کوچک با طرح چپراس

مأخذ: (خاموشی، ۱۳۸۷: ۸۲)

ب) عناصر گیاهی: جذابیت‌های بصری نقش گل و تنوع موجود در آن، ذهن زن سوزن‌دوز بلوچ را به نقش‌آفرینی نمادین انواع گل‌ها و گیاهان کشانده است. چند مربع، لوزی و مثلث بخش اصلی این نقش‌ها را تشکیل می‌دهد (تصویر ۵ و ۶).



تصویر ۶: طرح بته

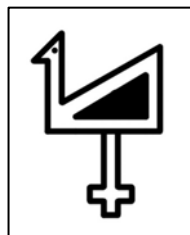
تصویر ۵: نقش بته بر روی پارچه

ج) عناصر حیوانی: استفاده از نقوش حیوانی بر روی لباس‌ها بیش‌تر به صورت تجریدی است و استفاده از نقش‌های واقع‌گرایانه حیوانات رایج نیست. از جمله متداول‌ترین این نقش‌ها می‌توان به نقش «هشتر دُمب» یا دُم شتر اشاره کرد. (تصویر ۷) این نقش‌ها برگرفته از نام انواع حیواناتی است که در منطقه بلوچستان وجود دارد و بازتاب فرهنگ عشایری و دامپروری است.



تصویر ۷: سوزن‌دوزی با نقش «هشتر دُمب» یا دُم شتر.

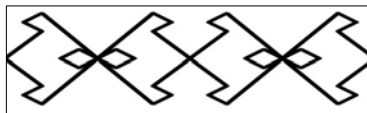
نقش‌های واقع‌گرایانه حیوانات گوناگون در دست‌بافته‌های عشایری بلوچ‌ها از قبیل سفره، گلیم و فرش کاربرد دارد که به صورتی بسیار ساده طراحی شده و قاعده کاربرد نقوش هندسی همچنان در آنها دیده می‌شود (تصویر ۸).



تصویر ۸: طرح مرغ

۲- زیورآلات

چنان‌که قبلاً ذکر شد، زرگری یکی از اصیل‌ترین صنایع دستی بلوچی است که نه تنها در هنر موسیقی کاربرد دارد بلکه در نقوش سوزن‌دوزی نیز تجلی یافته است (تصویر ۹).

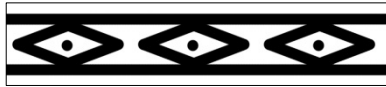


تصویر ۹: گوشواره

۳- عناصر مرتبط با اعضای بدن انسان

چشم یکی از مهم‌ترین اعضای بدن انسان است که به شکل‌های مختلف در نقوش

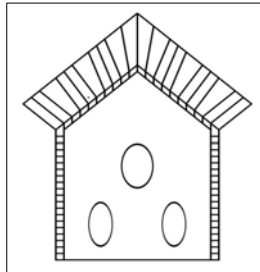
سوزن‌دوزی تجسم یافته است (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: چشم.

۴- موضوعات ذهنی و تخیلی

تخیلات و آرزوها منشأ بخش دیگری از نقش‌های سوزن‌دوزی هستند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: طرح کوه سرعاشق

۵- وقایع‌نگاری

وقایع‌نگاری از پدیده‌های پیرامون و وقایع اجتماعی شکل دیگری از تجلی فرهنگ در سوزن‌دوزی و پوشاک بلوچی است. وقایع روزمره، تحولات سیاسی، اجتماعی و شخصیت‌های مشهور، از مهم‌ترین موضوعات الهام بخش زنان سوزن‌دوز بلوچ برای طراحی این نقش‌ها است. به طوری که با توجه به شیوه نام‌گذاری طرح‌ها می‌توان آن را نوعی وقایع‌نگاری از پدیده‌های پیرامون نیز به حساب آورد. طرح‌هایی مانند: توپ علی دایی، شبکه هامون، یارانه‌ها، گردنبند حضرت یوسف که به مناسبت نمایش تلویزیونی مجموعه حضرت یوسف ابداع شد، بخش کوچکی از این نقوش را تشکیل می‌دهند. به علت گستردگی و تنوع موجود در طرح‌های سوزن‌دوزی هیچ یک از این نقش‌ها برای مدتی طولانی باقی نمی‌مانند بلکه، جای خود را به نقش‌های تازه‌تری می‌دهند که براساس وقایع جاری به سرعت ابداع می‌شوند. سوزن‌دوزان هنرمند بلوچ هیچ ضرورتی برای حفظ و تداوم این طرح‌ها و نقش‌ها برای مدت طولانی ندارند چرا که اتفاقات جدید، طرح‌های تازه و نوینی را طلب می‌کند.

۶- مذهب و باورهای جمعی

باورهای گروهی و مذهبی از دیگر عوامل بسیار مهم در زمینه طراحی نقش‌های سوزن‌دوزی است. داستان‌های حماسی، که نمایانگر روحیه رزم‌آوری و سلحشوری بلوچ‌هاست، بهترین تجلی خود را در فرم‌های تیز و زاویه‌دار و رنگ‌های گرم و قرمز پیدا می‌کند. ممنوعیت استفاده از نقش انسان در سوزن‌دوزی که نشأت گرفته از باورهای مذهبی و اسلامی است به‌عنوان یک قانون کلی در سوزن‌دوزی پذیرفته شده و به همین دلیل زنان هنرمند بلوچ در جستجوی تزیینات ایده‌آل خویش، با کنار هم قرار دادن تعداد بی‌شماری از عناصر بصری ساده و ابتدایی مانند: مربع، مثلث و لوزی نقش‌های مورد نظر خود را خلق می‌کنند.

باورهای عامیانه مانند اعتقاد به چشم زخم نیز بر روی پوشاک محلی بلوچی تأثیرگذار بوده است. از تزیینات موجود در لباس‌های بلوچی گلی به رنگ آبی یا کبود است که قسمت جلوی پیراهن قرار می‌گیرد. در بین اقوام بلوچ این اعتقاد عامیانه وجود دارد که این گل دافع چشم زخم است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: تزیین گل با نخ آبی در لباس زنانه.

۹- پوشاک محلی طوایف بلوچ

از آنجا که پوشاک محلی مردم ایران، بخشی از هویت و میراث فرهنگی ایرانی را تشکیل می‌دهد و فرهنگ ملی به کمک فرهنگ‌های محلی رایج در مناطق گوناگون این سرزمین، تعریف جامع‌تری می‌یابد، می‌توان گفت لباس محلی بلوچ‌ها نه تنها در بر دارنده هویت محلی آنها است، بلکه نشان از تعلق آنها به سرزمین ایران نیز دارد. علاوه بر آن، پوشاک محلی بلوچ از حیث زیبایی ظاهری نیز واجد ویژگی‌های

خاصی است که می‌تواند به‌عنوان یک کالا سهم مهمی را در افزایش جذابیت‌های گردشگری منطقه بلوچستان ایفا کند.

۹-۱- پوشاک مردان بلوچ

در پوشاک مردان بلوچ تنوع قابل ملاحظه‌ای از نظر طرح و اسلوب دوخت وجود ندارد و دوخت آن دارای الگویی یکسان و همگانی است. سادگی و پرهیز از تزیین و نقش‌اندازی از ویژگی‌های غالب پوشاک مردان بلوچ است. این پوشاک از چند بخش عمده: سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها و کفش تشکیل شده است.

۹-۱-۱- سرپوش‌ها

یکی از متداول‌ترین سرپوش‌های مردان بلوچ سر‌بند یا «لانکی» است که به آن «لنگوته» و «پاک» نیز می‌گویند و پارچه‌ای است ساده و نازک به طول تقریبی دو تا سه متر که آن را مانند عمامه به دور سر می‌پیچند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: مرد بلوچ با سر‌بند.

استفاده از کلاه نیز در بین مردان بلوچ رایج است. عمده‌ترین کلاه‌های مورد استفاده در پوشش مردان بلوچ عبارتند از: کلاه بره‌ای یا «کلاه گلی» که از پوست بره دوخته شده و به افراد مرفه جامعه اختصاص دارد و کلاه نخ‌ی که آن را از پارچه نخ‌ی تهیه کرده و روی آن را با نقوش گوناگون سوزن‌دوزی می‌کنند.

۹-۱-۲- تن‌پوش‌ها

پیراهن یا «جامگ» پوشش متداول مردان بلوچ بوده و عبارت است از پیراهن گشادی که بلندی آن به زانو و حتی پایین‌تر می‌رسد. جنس این پیراهن‌ها معمولاً از کتان و تترن بوده و از پارچه‌هایی با رنگ‌های متنوع مانند سفید، خاکستری روشن، کرم و خاکی دوخته می‌شود. شلوار مردان بلوچ که به آن «پا جامگ» می‌گویند، شلوار گشادی است که در ناحیه قوزک پا تنگ می‌شود (تصویر ۱۴).

پوشیدن جلیقه یا «واسکت» نیز در فصول سرد سال بر روی پیراهن متداول است. جلیقه معمولاً از پارچهٔ پشمی یا موی بز و بیش‌تر از پارچه‌هایی به رنگ‌های سیاه، قهوه‌ای، خاکستری و کرم دوخته می‌شود.



تصویر ۱۴: پوشش سنتی مردان بلوچ (آقای عبدالله سپاهی)، سراوان

۹-۱-۳- کفش

کفش‌های سنتی مردان بلوچ به صورت دست‌ساز و با استفاده از شیوه‌هایی بسیار ساده تهیه می‌شود. یکی از مشهورترین انواع آن، کفشی است که از برگ‌های نوعی درختچه به نام «پُورک» یا داز تهیه می‌شود (تصویر ۱۵). رِبُد کفش دیگری است که به صورت سنتی تولید می‌شود. برای کف آن از لاستیک ماشین استفاده می‌شود و رویهٔ کفش را با نخ‌های پنبه‌ای درست می‌کنند (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: کفش رِبُد



تصویر ۱۵: کفش ساخته شده از برگ درخت داز

لازم به ذکر است که در حال حاضر، استفاده از انواع کفش‌های سنتی در مناطق شهری بلوچستان کاهش یافته و از این کفش‌ها بیش‌تر در مناطق روستایی و یا برای نشان دادن هنرهای صنایع رایج در میان بلوچ‌ها استفاده می‌شود.

۹-۲- پوشاک زنان بلوچ

لباس زنان بلوچ از فاخرترین نمونه‌های پوشاک سنتی ایران است که به علت دارا بودن سوزن‌دوزی‌های بسیار زیبا از شهرت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. در این پوشاک تنوع چشمگیری از لحاظ شیوه دخت و طراحی وجود ندارد و دخت آن از الگویی ثابت پیروی می‌کند که می‌توان آن را متأثر از شیوه زندگی بلوچ‌ها دانست چرا که پیروی از سنت‌ها، آنها را مقید به استفاده از پوششی یکسان نموده و امکان گزینش لباس‌هایی مغایر با هنجارهای معمول را از آنها گرفته است. پای‌بندی بلوچ‌ها به حفظ ارزش‌های اسلامی - ایرانی، باعث گسترش این پوشاک در نواحی عشایری، روستایی و شهری شده و زنان بلوچ با حفظ شأن و منزلت اجتماعی خود در اجتماع به فعالیت می‌پردازند.

پوشاک زنان بلوچ از چند بخش اصلی تشکیل می‌شود که عبارتند از: سرپوش‌ها، تن‌پوش‌ها، کفش و زیورآلات.

۹-۲-۱- سرپوش‌ها

سرپوش‌های زنان بلوچ عبارتند از: سَرِیک، تکو یا چارقد، چادر یا «گوشان» و «پتی» یا سربند.

سَرِیک پارچه مستطیل شکلی است به ابعاد دو در یک متر که زنان آن را از سوی پهنا به سر می‌اندازند. پارچه آن معمولاً نازک بوده و دارای رنگ‌های متنوع و شادی است (تصویر ۱۷). تکنیز مشابه سَرِیک است با این تفاوت که ابعاد آن کوچکتر بوده و معمولاً جهت پوشش درون خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۷: زنان بلوچ با سَرِیک و لباس محلی
مأخذ: (ویت، ۱۳۷۳: ۲۶)

چادر یا «گوشان» چادر مستطیل شکل نازکی است که در گذشته متداول بود اما امروزه استفاده از آن خیلی رایج نیست و زنان بلوچ نیز مانند مردم نواحی دیگر از

چادرهای گرد استفاده می‌کنند. چادر بانوان مسن معمولاً از پارچه‌هایی با رنگ‌های تیره و چادر زنان جوان از پارچه‌های نخی الوان تهیه می‌شود.

«پتی» یا سربند، پارچه سوزن‌دوزی شده‌ای است که آن را سکه‌دوزی نموده و زیورهایی برای دو طرف صورت به آن می‌آویزند (تصویر ۱۸). این سرپوش بالای پیشانی و روی سر قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۸: زن بلوچ با پتی
(مأخذ: افشار سیستانی، ۱۳۷۰: ۱۹۵)

۹-۲-۲- تن پوش‌ها

پیراهن زنان بلوچ که به آن «جامگ» می‌گویند، لباس راسته بلند و نسبتاً گشادی است که آستین‌های بلند و گشادی نیز دارد. تنوع به کار رفته در این پوشش، محدود به رنگ، نقش و نوع پارچه مورد استفاده است. این لباس از چند قطعه سوزن‌دوزی شده بسیار اساسی تشکیل شده که عبارتند از: پیش سینه یا «زیج». یک جیب بزرگ که از روی شکم تا لبه دامن پیراهن دوخته شده، آن را با سوزن‌دوزی‌های جذاب تزئین می‌کنند و به آن «گومتان» می‌گویند. «آستینگ» که شامل دو آستین سوزن‌دوزی شده به شیوه «زیگ» و «گومتان» است و حاشیه سوزن‌دوزی شده دامن پیراهن که آن را «پیت» می‌نامند.

مدل شلوار زنان بلوچ که به آن «پاجامگ» می‌گویند، شبیه شلوار مردان می‌باشد. با این تفاوت که پارچه آن از جنس پارچه پیراهن بوده و دارای نقش و نگار است. دم‌پای این شلوار نسبتاً تنگ بوده و آن را سوزن‌دوزی می‌کنند.

این نوع پوشش، رایج‌ترین لباس در میان زنان بلوچ بوده و استفاده از آن منحصر به مراسم خاصی نیست (تصویر ۱۹). در لباس زنان و دختران جوان بلوچ بیش‌تر از رنگ‌های بسیار متنوع و شاد استفاده می‌شود ولی معمولاً زنان مسن و بیوه از پوشیدن لباس‌های شاد با سوزن‌دوزی‌های متنوع خودداری می‌کنند.



تصویر ۱۹: پوشاک محلی زن بلوچ
مأخذ: (بی نا، ۱۳۵۲: ۳۳)

۹-۲-۳- کفش

زنان بلوچ در گذشته از نوعی کفش سنتی به نام سواس استفاده می کردند که از برگ درخت خرما بافته می شد. کتوک کفش دیگری بود که کف آن از چوب ساخته شده و رویه آن را از کاموا تهیه می کردند. امروزه استفاده از این کفش ها رایج نیست و زنان بلوچ از کفش های موجود در بازار استفاده می کنند.

۹-۲-۴- زینت زنان بلوچ

لباس زنان بلوچ معمولاً با دو زینت کامل می شود که عبارتند از: سنجاق سینه یا هنگلی که به آن تاسنی و «کپکو» نیز می گویند.



تصویر ۲۱: کپکو



تصویر ۲۰: تاسنی

از تاسنی معمولاً برای بستن شکاف جلوی یقه استفاده می شود. جنس آن معمولاً از طلا بوده و یکی از مهم ترین زینت آلات زنان بلوچ است. اندازه، وزن و نوع تزیینات به کار رفته در آن نشان دهنده میزان ثروت فرد یا موقعیت اجتماعی اوست (تصویر ۲۰). «کپکو» نیز زینتی است برای گردن و شامل نیم کره های کوچک و محدب است که نگینی از یاقوت یا فیروزه بر روی آنها قرار گرفته است. (تصویر ۲۱).

۱۰- سنجش میزان تعلق خاطر بلوچ‌ها به پوشاک محلی
 سنجش میزان تعلق خاطر طوایف بلوچ به پوشاک بلوچی، با استفاده از پرسش‌نامه، نتایج زیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۹۰	٪۵۰
زن	۱۹۰	٪۵۰
جمع	۳۸۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۹۵	٪۲۵
دیپلم و فوق دیپلم	۹۵	٪۲۵
لیسانس	۹۵	٪۲۵
فوق لیسانس و بالاتر	۹۵	٪۲۵
جمع	۳۸۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۳: میزان موافقت با استفاده از پوشاک محلی در میان مردان و زنان بلوچ

میانگین	به هیچ وجه		کم		متوسط		زیاد		میزان موافقت	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان		
۳/۹۹	۳/۹۲	۰	۰	٪۰/۲	٪۰/۲	٪۶/۳	٪۹	٪۵/۹۳	٪۸۷	۱- میزان علاقه به آداب و رسوم
۳/۹۹	۳/۹۴	۰	٪۰/۵	٪۰/۲	٪۱	٪۶/۲	٪۷	٪۶/۹۷	٪۹۱/۵	۲- میزان علاقه به استفاده از پوشاک محلی در محیط خانه
۲/۲۱	۳/۵۵	٪۳۵	٪۸/۱	٪۸/۷	٪۱۰	٪۳/۳	٪۱۹/۳	٪۱۳/۴	٪۵/۹۱	۳- میزان علاقه به استفاده از پوشاک محلی در اجتماع



۷۰/۰	۷۰/۰	۵/۶٪	۸/۶٪	۴/۸٪	۴/۸٪	۸/۰٪	۸/۰٪	۰	۰	۴- میزان علاقه به استفاده از پوشاک غیربلوچی در محیط خانه
۸۸/۸	۷۵/۰	۷/۱۳٪	۳/۳۶٪	۵/۸۱٪	۶/۹۱٪	۸/۷٪	۷/۹٪	۵/۸۴٪	۶/۵٪	۵- میزان علاقه به استفاده از پوشاک رسمی در اجتماع

سنجش میزان علاقه به استفاده از پوشاک محلی در محیط خانه نشانگر میانگین ۳/۹۴ از ۴ در بین پاسخگویان مرد و رقم ۳/۹۹ در بین پاسخگویان زن بوده و نشان دهنده پایبندی و علاقه به استفاده از این نوع پوشش در بین بلوچ‌ها است. در حالی که بررسی حاکی از بالا بودن میزان تمایل به استفاده از پوشاک محلی در فعالیت‌های اجتماعی برای مردان با رقم ۳/۵۵ می‌باشد، زنان بلوچ با میانگین ۲/۲۱ علاقه کمتری به این امر از خود نشان داده‌اند. این میزان در مقایسه با علاقه به استفاده از پوشاک متعارف و معمول که در این پژوهش از آن به‌عنوان پوشاک غیربلوچی یاد شده، و میانگین ۰/۰۰۸ را در بین مردان و زنان بلوچ به خود اختصاص داده، حاکی از ترجیح بلوچ‌ها به استفاده از پوشاک محلی است.

۱۱- نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، نتیجه گرفته می‌شود که پوشاک بلوچ‌ها با زندگی و فرهنگ آنها ارتباط مستقیم دارد و علاوه بر معرفی و شناساندن آنها به‌عنوان بخشی از ملت ایران، گواهی آشکار بر هویت ایرانی - اسلامی است. از آنجا که حفظ و زنده نگه داشتن هویت ایرانی به واسطه فرهنگ‌های رایج در میان مردم نواحی مختلف ایران امکان‌پذیر است، می‌توان فرهنگ بلوچ‌ها را به‌عنوان بخشی از این میراث ملی مورد توجه قرار داد. این میراث هم اکنون نیز با کاربرد طرح‌های سنتی سوزن‌دوزی بلوچی بر روی پوشاک بانوان ایرانی، حفظ شده و نشان از علاقمندی مردم کشورمان به حفظ سنن ملی و مردمی دارد.

مطالعه پوشاک و هنرهای رایج در میان طوایف بلوچ نشان دهنده آن است که تأکید بلوچ‌ها بر آراستگی لباس با نقوش سنتی ارتباط بسیار مهمی با سرمایه‌های فرهنگی ملی آنها دارد و مردم بلوچ با علاقه‌ای که به حفظ میراث فرهنگی خود دارند، در طول سالیان متمادی در تداوم این سنت‌ها کوشیده‌اند. از بهترین تجلیات فرهنگ و شیوه زندگی بلوچ‌ها در پوشاک محلی چنان‌که گفته شد می‌توان به طراحی موضوعات

گوناگون بر روی محصولات سوزن‌دوزی اشاره کرد که علاوه بر برخورداری از زیبایی قابل ملاحظه، شیوه تفکر و التفات پدید آورندگان خود به موضوعات گوناگون را نیز نمایان می‌سازند. حفظ ارزش‌های ایرانی و اسلامی در پوشاک از دیگر ویژگی‌های لباس محلی بلوچ است.

بررسی نظرسنجی صورت گرفته و نتایج به دست آمده از آن نیز ضمن بیان علاقه بلوچ‌ها به حفظ سنت‌ها و پوشاک محلی، از افتخار آنها به تداوم سنت‌های جمعی ایرانی حکایت دارد. این موضوع که به نحو فراگیری در میان همه گروه‌های سنی مورد مطالعه قابل مشاهده است، نشان از توجه طوایف بلوچ به فرهنگ و سنت‌های رایج داشته و تمایل بسیار زیاد آنها به حفظ این سنت‌ها را آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد همبستگی زیادی میان پوشاک محلی و سنت‌های رایج در میان بلوچ‌ها و در سطحی بالاتر، هویت ملی آنان به‌عنوان یکی از اقوام اصیل ایرانی وجود داشته باشد.

منابع

- ابن حوقل (۱۳۴۵)؛ *صورة الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۴)؛ *تاریخ زبان فارسی*، تهران: سمت.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)؛ *قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت*، تهران: نی.
- ----- (۱۳۸۳)؛ «هویت و قومیت در ایران»، در: *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷)؛ *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)؛ *مرآة البلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۳)؛ *نگاهی به سیستان و بلوچستان (سرزمین آزادگان سخت‌کوش)*، تهران: هما.
- ----- (۱۳۶۶)؛ *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*، ج ۲، تهران: هما.
- ----- (۱۳۷۰)؛ *عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان*، تهران: نسل دانش.
- ----- (۱۳۷۱)؛ *بلوچستان و تمدن دیرینه آن*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بزرگ‌زاده، عبدالسلام (۱۳۸۷)؛ «شرحی بر موسیقی بلوچستان»، *نشریه نجوای فرهنگ*، ش ۸ و ۹، صص ۱۳۱-۱۳۶.

- بلوکباشی، علی (۱۳۸۲)؛ *مقدمه کتاب پوشاک در ایران زمین*، زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- بوئل، ج. آر (۱۳۷۹)؛ *تاریخ ایران از برآمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانیان*، ترجمه حسن انوشه، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- بی‌نام مؤلف (۱۳۵۲)؛ *نگار زن (تاریخ مصور لباس زن در ایران)*، تهران: گرافیکا.
- تامپسون، جان (۱۳۷۸)؛ *ایدئولوژی و فرهنگ مدرن*، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- جهانبانی، مهر منیر (۱۳۸۲)؛ «پوشاک بلوچ در ایران»، در: *پوشاک در ایران زمین*، زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- حدودالعالم* (۱۳۶۲)؛ به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- حیدری، محمد (۱۳۸۳)؛ «هویت و امیّت ملی»، در: *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- خاموشی، زهرا (۱۳۸۷)؛ «تحول کاربرد تزئین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن»، *فصلنامه هنر اسلامی*، ش ۹، صص ۷۷-۹۸.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۴)؛ *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- شهبخش، عظیم (۱۳۷۳)؛ *پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان (ماجرای دادشاه)*، شیراز: نوید شیراز.
- عبداللهی، محمدمحمدو حسین‌بر، محمد عثمان (۱۳۸۱)؛ «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)؛ «حوزه سیاسی و بازار هنرهای قومی - ملی»، *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر*، تهران: فرهنگستان هنر.
- متین، پیمان (۱۳۸۳)؛ «پوشاک و هویت قومی و ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۱۹، صص ۳۷-۴۸.
- معاونت برنامه‌ریزی دفتر آمار و اطلاعات سیستان و بلوچستان (۱۳۸۹)؛ *سالنامه آماری سیستان و بلوچستان*، زاهدان: معاونت برنامه‌ریزی استانداری سیستان و بلوچستان.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدین احمد (۱۳۶۱)؛ *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: کاویان.
- ناصری، عبدالله (۱۳۵۸)؛ *فرهنگ مردم بلوچ*، بی‌جا.
- ویت، جیمز و حیدری، جمیله (۱۳۷۳)؛ *از چهار گوشه ایران*، تهران: فرهنگ سرا.
- هائته، پاملا (۱۳۸۲)؛ «پوشاک بلوچ در افغانستان و پاکستان»، در: *پوشاک در ایران زمین*، زیر نظر احسان یار شاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- الهی، محبوبه (۱۳۸۹)؛ «لباس به مثابه هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۱، ش ۴۲، صص ۳-۳۰.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، تهران: ۱۳-۴۲.